

بررسی چالش‌ها و فرصت‌های فراروی ایران در حوزه خزر

عبدالرضا فرجی راد

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه جغرافیا

مسعود حقیقت پناه^۱

کارشناسی ارشد، رشته جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۰۵/۰۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۰۲/۲۹

چکیده

یکی از نقاط حساس و ژئوپلیتیک منطقه خاورمیانه از لحاظ منابع نفت و گاز و همچنین امور سیاسی امنیتی و نظامی، حوزه‌ی خزر می‌باشد. اهمیت این حوزه برای ایران به صورت راهبردی بوده و تمام تغییر و تحولات در آن بر استراتژی ملی جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار می‌باشد. پس از فروپاشی شوروی سابق در دسامبر ۱۹۹۱ و ظهور سه کشور جدید ساحلی آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان باعث به وجود آمدن چالش‌ها و فرصت‌هایی برای ایران در این منطقه شده است، حضور بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، به منظور بهره‌برداری از انرژی نفت و گاز از یک سو و منابع سطحی و زیرسطحی این دریا از سویی دیگر و همچنین تعیین رژیم حقوقی این دریا باعث پیچیدگی و اهمیت استراتژیک آن شده است. این تحقیق به دنبال پرسش‌های اساسی زیر بوده است: ۱- پدیده‌های چالش آفرین برای ایران در حوزه‌ی خزر کدامند؟ ۲- چه فرصت‌هایی برای چالش‌های ایران در حوزه‌ی خزر وجود دارد؟ یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که با استفاده از توان‌ها و استعدادها و شناخت محیط جغرافیایی حوزه‌ی خزر، می‌توان چالش‌ها را به فرصتی برای رسیدن به اهداف ملی و منافع ملی تبدیل نمود.

واژگان کلیدی: رژیم حقوقی، چالش‌ها، فرصت‌ها، بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

مقدمه

یکی از حوزه‌هایی که در طول تاریخ تأثیرات زیادی بر امنیت ملی کشور ما داشته و هم اکنون نیز دارد، حوزه دریای خزر می‌باشد (دهقان، ۱۳۸۴: ۱۳).

در قرن پنجم قبل از میلاد تا قرن هفتم بعد از میلاد که هم‌زمان با اوج اقتدار امپراتوری‌های ایران بوده است در حقیقت خزر، دریای داخلی تلقی می‌شد. حاکمیت ایران بر این دریا با توجه به دوران‌های قدرت، ضعف دولت مرکزی تا قبل از انقلاب اسلامی ایران در نوسان بوده است. بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ دو کشور ساحلی خزر به پنج کشور ساحلی افزایش یافت و ایران نیز کشورهای ساحلی جدید را به رسمیت شناخت و آن‌ها نیز اعلام کردند؛ که به قراردادهای اتحاد شوروی سابق پای بند هستند. از آنجایی که کشورهای تازه به استقلال رسیده گریبانگیر مشکلات حاد به جای مانده از زمان شوروی سابق بودند و برای حل مشکلاتشان تنها امیدشان به منابع دریای خزر از جمله نفت و گاز آن بود، این کشورها همچنین با مشاهده ضعف حضور سیاسی فدراسیون روسیه، جهت رسیدن به اهداف خود با شرکت‌های چندملیتی قراردادهایی بستند و همین امر باعث شد تا این منطقه استراتژیکی توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را به خود جلب نماید. بر این اساس هر یک از این کشورها می‌کوشند تا سهم بیشتری از منابع ذی‌نفع، بستر و زیر بستر را به خود اختصاص دهند. در این میان رویکرد ایران در مسائل این دریا که همواره با نرمش و انعطاف یک‌سویه توأم با خوش‌بینی غیرواقعی را به همراه داشته، سبب گردیده، دیگر کشورهای ساحلی حقوق تاریخی ایران در این دریا را نادیده گرفته و با ادامه وضع موجود، فرصت‌های پیش روی این منطقه را از دست داده و آن را تبدیل به چالش نمایند. حال با این وجود، تهران علاقه منداست با گسترش نفوذ خود در شمال-از جمله در منطقه‌ی دریای خزر-هم قدرت ملی خود را افزایش دهد و هم جلوی کوشش‌های واشینگتن برای محاصره کردن ایران را بگیرد (دیلمی معزی، ۱۳۸۷: ۶۶).

از آنجایی که این منطقه حلقه اتصال اروپا، آسیا و محل تمدن‌های کهن و تنوع نژادی و نقطه پیوند دو دین بزرگ اسلام و مسیحیت و از همه مهم‌تر یکی از مسیرهای مهم ترانزیت انرژی منطقه به اروپا است با چالش‌های قابل توجهی روبه‌رو است که به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

روش تحقیق

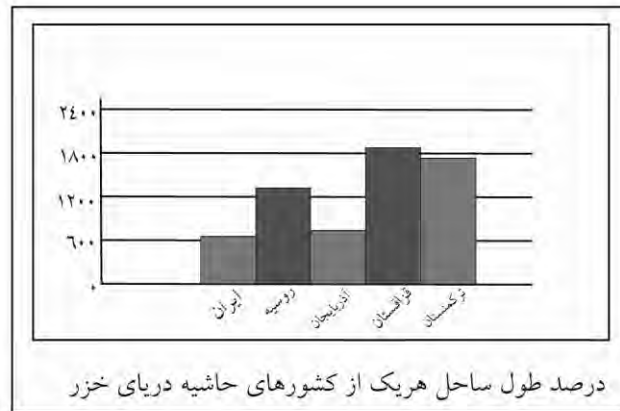
شیوه تحقیق در این مقاله با بهره‌گیری از اصول و مبانی علمی و اسناد و مدارک کتابخانه‌ای، اینترنت، سایت‌های مرتبط جمع‌آوری شده که تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی و تحلیلی می‌باشد.

ملاحظات ژئوپلیتیکی حوزه‌ی خزر

موقعیت جغرافیایی دریای خزر

دریای خزر بزرگ‌ترین دریاچه جهان در مرز بین آسیا و اروپا، در شمال ایران و در محل تلاقی آسیای مرکزی، قفقاز و ایران واقع شده و سواحل غربی آن تا حد شرقی قفقاز را تشکیل می‌دهد، دریای خزر تقریباً به شکل مستطیل می‌باشد و طول آن از شمال به جنوب ۱۲۰۴ کیلومتر، عرض متوسط آن ۳۲۰ کیلومتر، و طول خط ساحلی آن ۶۵۰۰ کیلومتر است از این مقدار ۶۵۷ کیلومتر ساحل ایران، ۸۲۰ کیلومتر ساحل آذربایجان، ۱۹۰۰ کیلومتر ساحل

قزاقستان، ۱۷۶۸ کیلومتر ساحل ترکمنستان و ۱۳۵۵ کیلومتر باقی‌مانده ساحل روسیه است (امیر احمدیان، ۸۱: ۵۸).
طبق نمودار زیر:



منبع: نامی، ۱۳۸۶: ۵۱

مساحت دریای خزر ۳۷۶۰۰۰ کیلو متر مربع که بیش از دو برابر مساحت خلیج فارس است، و عمق آن در بعضی مناطق به ده برابر عمق خلیج فارس می‌رسد. این پهنه آبی در طول ۴۶ درجه و ۴۳ دقیقه تا ۵۴ درجه و ۵۱ دقیقه شرقی قرار گرفته و بزرگ‌ترین دریاچه جهان است. در قسمت جنوبی آن مرزهای سیاسی قرار گرفته که از دهانه رود آستارا در غرب تا خلیج حسینقلی در شرق امتداد می‌یابد. از ۶۳۸۰ کیلو متر طول کرانه‌های آن ۹۲۲ کیلومتر است که این مقدار ۲۵۶ کیلومتر در خاک ایران و مابقی در چهار کشور هم‌جوار واقع شده است (احمدی پور و همکاران، ۸۴: ۳۹).



نقشه شماره ۱: مرزهای سیاسی اطراف دریای خزر

منبع: نامی، ۱۳۸۹: ۱۲۵

این دریا راه طبیعی به آب‌های آزاد ندارد و از طریق دو کانال ولگا- بالتیک و ولگا - دن به دریای آزاد متصل شده است (امیر احمدیان - گودرزی، ۸۹: ۶۲).

بخش عمده شکل‌دهنده بیلان دریای خزر تخلیه رودخانه‌ها است به طوری که ۹۵٪ ورودی از طریق رودخانه‌های شوروی و فقط ۵٪ از قسمت حوزه جنوبی یعنی ایران وارد دریای خزر می‌شود. حدود ۱۵۰ رودخانه بزرگ و کوچک به دریای خزر می‌ریزد که بزرگ‌ترین و معروف‌ترین آن‌ها عبارت است از: ولگا، کورا، اورال، اترک، سامور، ارس و سفیدرود.

مهم‌ترین خلیج‌های خزر عبارتند از:

قیزلار در شمال، مانشلاق، قازاخ، قارابو غازگول و ترکمن‌باشی. دریای خزر حدود ۵۰ جزیره بزرگ و کوچک دارد که کل مساحت آن حدود ۳۵۰ کیلو متر مربع است و مهم‌ترین شبه جزیره‌های خزر عبارتند از: آبشوران، مانشکائو، بوزاچی، چچن، آغورچی، کولالی و چله‌کن.

این دریاچه در منابع گوناگون و مقاطع مختلف تاریخی نام‌های متعددی داشته که از جمله می‌توان دریای طبرستان، دریای مازندران، دریای آبسکون، دریای گیلان و دریای کاسپین را نام برد که به تعبیری همان دریای قزوین است (قاسمی، ۸۳: ۵۴).

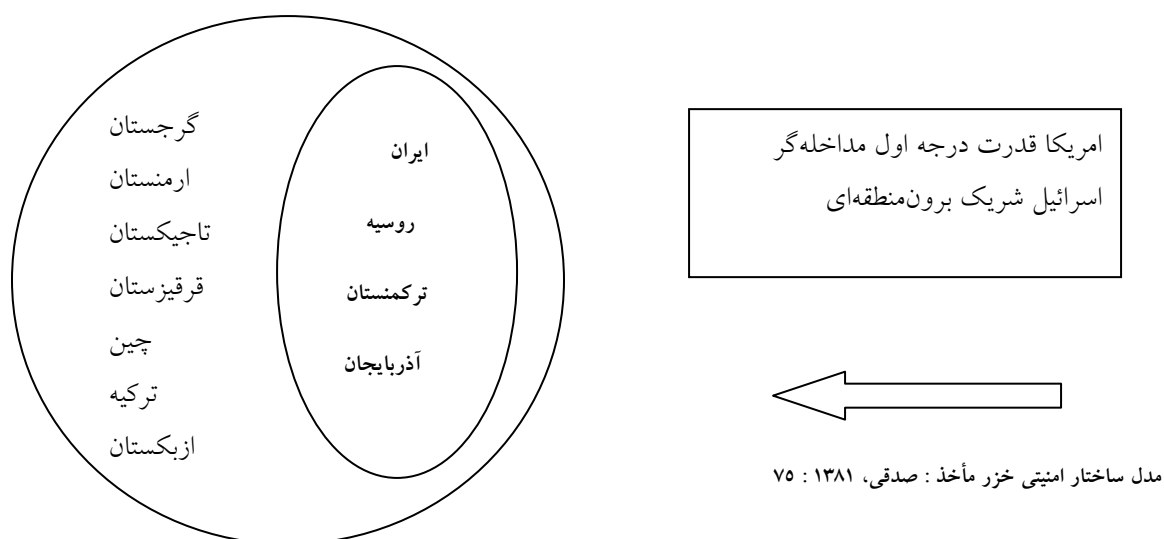
ساختار امنیتی حوزه ی خزر

امنیت از مهم‌ترین دغدغه‌های انسان در طول تاریخ بوده است و بسیاری از رویدادها از جمله تشکیل خانواده، قبیله، حکومت و سازمان‌های ملی و بین‌المللی همه برای تأمین امنیت بوده است. آنچه که مسلم است واژه امنیت در قرن بیستم خصوصاً بعد از جنگ جهانی دوم متداول شده است.

در جغرافیای امنیتی دریای خزر مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیط زیست باید مورد مطالعه قرار بگیرد. پس به نظر می‌رسد عوامل متغییر چندگانه‌ای در رویکرد امنیتی منطقه ی خزر هم از سوی دولت‌های منطقه‌ای و هم فرمانطقه‌ای از جمله امریکا به عنوان بازیگران ضامن امنیت خارجی وجود داشته است؛ و در هر شرایطی باید به نقش و جایگاه جغرافیا در امنیت دریای خزر توجه شود. به نظر می‌رسد پس از فروپاشی شوروی سابق، کار حفظ امنیت مرزهای سیاسی، دچار تحولات بنیادین شده است (زین‌العابدین، ۱۳۸۶: ۷۹).

در گذشته‌های دور مردمان ایران از دریای خزر برای حمل و نقل استفاده می‌کردند و همچنین این دریا محل ارتزاق ساحل‌نشینان آن از راه صید ماهی و استفاده از آبزیان آن بوده است. حال با این وجود اکثر کشورهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای با دیدی دیگر به این دریا نگاه می‌کنند؛ و انگار دریای خزر را با نفت و گاز آن می‌شناسند، در حالی که سیاست جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی، قفقاز و دریای خزر بر همکاری‌های همه جانبه، اعتمادسازی، صلح پایدار، بهره برداری عادلانه از منابع طبیعی این منطقه به منطقه‌ای با صلح و آرامش استوار و اعتقاد دارد که مردم این کشورها باید به اقتصادی شکوفا، رشد و توسعه و رفاه همه‌جانبه نایل شوند و این امر میسر نمی‌شود، مگر با افزایش همکاری‌های منطقه‌ای و ارتقای فضای اعتماد تضمین صلح و امنیت پایدار.

مقوله امنیت نیز همانند سایر موضوعات به مقدار زیاد تحت‌تأثیر تحولات سیاسی و نظامی درون منطقه‌ای و بیرون منطقه‌ای قرار می‌گیرد. این مقوله در همه جاوبرای همه ی دولت‌ها یکسان نیست که بسته به نوع و میزان قدرت کشورها و گستردگی عرصه آنها متفاوت است (Morgenthau.1973.p.28). که حوزه ی خزر از این امر مستثنی نبوده و ساختار امنیتی آن تحت‌تأثیر یک سری از نیروهای مداخله‌گر داخلی و خارجی شکل می‌گیرد.



با وجود مسائل انرژی و اقتصادی خزر نباید از مسائل امنیتی غافل شد و این مسأله نباید در محدوده جغرافیایی خزر دور نگه داشته شود چرا که ایران قدیمی‌ترین تمدن و سپس پرجمعیت‌ترین کشور منطقه پس از روسیه است. ذکر این نکته که جمهوری اسلامی نیز در زمینه همکاری‌های منطقه‌ای و امنیتی در حوزه ی خزر دست به اقداماتی زده است ایران در بحث حمل و نقل از طریق اتصال راه آهن ایران به کشورهای مشترک‌المنافع اقداماتی انجام داده که از آن جمله می‌توان به ساخت راه‌آهن بافق - مشهد و مشهد سرخس - تجن اشاره کرد هم چنین ایران در زمینه کشتیرانی توأمان به تقویت بنادر و توسعه ناوگان دریایی در این دریا نموده که نشان‌دهنده‌ی تلاشی برای افزایش همکاری‌های درون منطقه‌ای جهت ارتقاء امنیت منطقه است.

رژیم حقوقی دریای خزر

پرمناقشه‌انگیزترین موضوع در خصوص دریای خزر بحث رژیم حقوقی، این حوزه آبی مشترک بین ۵ کشور ساحلی آن می‌باشد و محوری‌ترین عوامل با اهمیت آن نوع رژیم حقوقی در این حوزه می‌باشد (مولایی، ۸۳: ۳۷). منظور از رژیم حقوقی دریای خزر، مجموعه مقررات حاکم بر کلیه اعمالی که در دریای خزر انجام می‌گیرد یا در ارتباط با صلاحیت دولت‌ها در این دریا صورت می‌گیرد، عنوان رژیم حقوقی را دارد. از جمله این مقررات مربوط به نظام حقوقی کشتیرانی، ماهی‌گیری مقررات حفظ زیست محیطی، بهره برداری از منابع معدنی، پرواز بر فراز دریای خزر از مهره‌های کلیدی و ستون فقرات رژیم حقوقی دریای خزر را تشکیل می‌دهد و یکی دیگر از مهم‌ترین بحث‌های رژیم حقوقی دریای خزر بحث حاکمیتی و سرزمینی می‌تواند باشد (دهقان، ۸۴: ۱۲۷).

با فروپاشی شوروی سابق، مدعیان بر این دریا از دو کشور به پنج کشور ساحلی (CIS) افزایش یافت؛ و هدف سیاستمداران این کشورها اثبات مالکیت خود بر بخش بیشتر از منابع این دریا بوده است.

اختلافات اولیه در مورد رژیم حقوقی دریای خزر در اوایل سال ۱۳۷۳ مطرح شد که دولت آذربایجان با کنسرسیومی از شرکت‌های نفتی، مذاکره برای بهره‌برداری از دریای خزر را آغاز کرد که این امر با مخالفت دو کشور ایران و روسیه مواجه شد. که از سایر کشورهای حاشیه خزر خواستند که همچنان بر مفاد قراردادهای فی ما بین ایران و شوروی سابق پایبند بمانند. ایران با تأکید بر قراردادهای معتبر گذشته، مالکیت و بهره‌برداری مشاع را بهترین

گزینه می‌داند و آخرین فرمول پیشنهادی ایران تقسیم مساوی آب‌ها و بستر آن بین پنج کشور ساحلی است. این سیاست در راستای منافع ملی و دکترین‌های امنیتی این کشور صورت گرفت. آذربایجان و قزاقستان، و ترکمنستان در نهایت نظر روسیه را پذیرفته و اختلافاتی بین این کشورها وجود داشته باشد قابل حل است. جمهوری اسلامی ایران با تقسیم دریای خزر موافق است ولی سهم ایران نباید از ۲۰٪ کمتر باشد. کشورها براساس مفهوم حاکمیت، هریک در پی دستیابی به منافع خویش می‌باشند (Barton, 2007:23-24).

به نظرمی‌رسد، ایران در زمینه مسائل دریای خزر سیاست تعریف‌شده‌ای نداشته و دنباله‌رو مواضع روس‌ها بوده، کشورهای ساحلی خزر ابتدای فروپاشی شوروی مذاکراتی در سطوح مختلف سران وزرای خارجه و نمایندگان ویژه کشورهای ساحلی در امور دریای خزر انجام داده‌اند و در مورد محیط زیست دریایی کنوانسیون را امضاء کرده‌اند. این اولین قدم در راستای حل رژیم حقوقی بوده و اولین موفقیت این کشورها در این زمینه می‌باشد.

ظهور بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در حوزه ی خزر

اشاره به این نکته مهم است که ورود عناصر بیرونی به منطقه در گسترش ابعاد و زوایای بحران فعلی در روابط کشورهای منطقه تأثیر بسزایی داشته است در واقع اکنون صلح و آرامش در دریای خزر به علت حضور بازیگران متعدد منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در آن و اختلاف منافع و دیدگاه‌ها در میان آن‌ها، با مخاطراتی روبه‌رو شده است (جاسبی، ۱۳۸۱: ۱۹).

برآورد حدود ۷۱۰ میلیارد متر مکعب گاز و ۳۹/۳ میلیارد بشکه نفت در دریای خزر و حدود ۴۲۴۲۰۰ کیلومتر مربع مساحت و ظرفیت بیولوژیکی تولید خاویار ۲/۵، هزار تن خاویار (مروارید سیاه) نمی‌تواند فاقد بازیگرانی در سطح منطقه و فرامنطقه باشد.

متأسفانه برخی از بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، منطقه‌ی عمومی دریای خزر را مترادف با منابع انرژی نفت و گاز تعریف می‌کنند و از زوایای دیگر صلح و ثبات پایدار، محیط زیست، شیلات، و منابع زنده دریایی غافل هستند. بر همین اساس برای تقسیم منابع انرژی بستر و زیر بستر دریای خزر و همچنین انتقال انرژی به شیوه‌هایی روی آورده‌اند که مغایر با منافع کوتاه‌مدت، بلند مدت و مصالح جمعی می‌باشد.

از جمله بازیگران منطقه‌ای (درون منطقه و حاشیه منطقه) عبارتند از:

روسیه، ایران، قزاقستان، آذربایجان، ترکمنستان، ترکیه، ازبکستان، ارمنستان، گرجستان، قرقیزستان، چین و اوکراین.

بازیگران فرامنطقه‌ای این حوزه عبارتند از:

ایالات متحده آمریکا، اسرائیل، اتحادیه اروپا، هند، پاکستان، عربستان سعودی، ژاپن، شورای نظامی ناتو.

عوامل همگرایی و واگرایی منطقه‌ی خزر

عوامل همگرایی منطقه‌ی خزر

همگرایی عبارت است از فرایندی که طی آن واحدهای سیاسی به صورت داوطلبانه از اعمال اقتدار تام خویش برای رسیدن به هدف‌های مشترک صرف نظر کرده و از یک قدرت فوق ملی پیروی می‌کند (قوام، ۱۳۸۱: ۲۴).

در جایی دیگر همگرایی منطقه‌ای نوعی درهم آمیزی اقتصادی، سیاسی، و استراتژیک دولت‌ها در منطقه ویژه‌ای برای پدید آوردن یک نظام منطقه‌ای یکپارچه است (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۲۰۵).

به نظر ارنست بی‌هاس، همگرایی فرایندی است که طی آن بازیگران سیاسی چندین واحد ملی مجزا ترغیب می‌شوند تا وفاداری‌ها، فعالیت‌های سیاسی و انتظارات خود را به سوی مرکز جدیدی معطوف سازند که نهادهای این مرکز یا صلاحیتی برخوردارند که دولت‌های ملی موجود را تحت پوشش خود می‌گیرند و یا چنین صلاحیتی را می‌طلبند (B. Haas 1985, 16).

سابقه چنین طرز تفکری را می‌بایست در بطن تاریخ جستجو کرد، تلاش فرمانروایان بزرگ تاریخ همچون کوروش، اسکندر، شاه عباس، ناپلئون، هیتلر... در راستای همکاری صورت گرفته است. در بررسی عوامل همگرایی حوزه ی دریای خزر مواردی همچون، پیوندهای جغرافیایی، نظام ژئوپلیتیک، پیوستگی فرهنگی و تمدنی، امنیت متقابل، قدرت مانور، هویت‌یابی، حل منازعات منطقه‌ای تأثیرگذار است. حال به یک مورد از پیوندهای جغرافیایی، در خارج از حوزه ی خزر؛ اشاره به اینکه، ایالات متحده یک قسمت از خاک خود، واقع در کالیفرنیا را برای بعضی فعالیت‌ها به ژاپن اجاره داده است و ژاپن ناچار است از سیاست‌های آمریکا در جهان پشتیبانی و حمایت بکند با این برنامه آمریکا آمده یک عامل واگرایی بین دو کشور بعد از جنگ جهانی دوم خاطرات تلخ بمباران اتمی شهرهای هیروشیما و ناکازاکی را به یک عامل همگرایی تبدیل کرده است (عزتی، ۱۳۸۹: ۸).

عوامل واگرایی منطقه‌ی خزر

واگرایی را می‌توان جدائی، تفرقه، عدم انسجام و عدم یکپارچگی در سطح تصمیم‌سازی و عدم تمایل برای منطقه-گرایی و برتر دانستن خود و از بین رفتن وحدت‌سازی، تمامیت و همبستگی یک شخص یا یک گروه یا یک سازمان و یا یک کشور دیگر و یا گروهی از کشورها تعریف کرد (علی پرست، ۱۳۸۶: ۱۴۵).

همان گونه که عوامل همگرایی موجب همکاری و اتحاد میان واحدهای سیاسی می‌شود، عوامل ستیزش، تعارض موجب همکاری و اتحاد میان واحدهای سیاسی می‌شود و زمینه‌های بحران و جنگ را فراهم می‌آورد. عوامل مختلفی در واگرایی منطقه‌ای خزر تأثیرگذار می‌باشند که به قرار زیرند: عدم تعیین رژیم حقوقی دریای خزر، منازعات قومی، مذهبی، نژادی، تهدیدات امنیتی در این حوزه، نظامی شدن دریای خزر، مشکلات اقتصادی، ضعف سیستم اداری، نبود شبکه ارتباطی مناسب، ضعف ساختاری کشورهای تازه استقلال یافته حاشیه خزر و وابسته بودن آن‌ها به قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای (عزتی، ۱۳۸۹: ۵).

مسائل زیست محیطی و ژئواکولوژیک خزر

اگرچه، قرن‌ها، ملت‌ها و دولت‌ها برای حفظ منابع طبیعی با یکدیگر می‌جنگیدند، اما در دوران اخیر رهبران ملی به معضلات زیست محیطی به عنوان یک عامل سیاسی بی‌ثبات‌کننده امنیت می‌نگرند. با این وجود، علیرغم مدت زمان طولانی از گذشت تهدیدات امنیتی مسأله زیست محیطی، به نظر می‌رسد، این مسأله باید زودتر از این، وارد تحلیل‌های امنیتی و سیاسی دولت‌ها می‌شد (Mac. Donald, 1995, 88).

در قرن بیست و یکم و در شرایط کنونی جهان، هیچ کشوری نمی‌تواند به تنهایی به توسعه برسد، زیرا توسعه پایدار بر اساس مسائل زیست محیطی، مفهومی است مشترک و جهانی که در این راستا تدابیر و برنامه‌های جهانی کارساز می‌باشد (ساکس، ۱۳۸۴: ۵۲).

امنیت زیست محیطی، حمایت از منافع حیاتی فرد، جامعه و محیط در برابر تهدیدات پویای انسان و طبیعی در محیط زیست است (www.millennium-poreject.org).

الگوی زندگی انسانی در ادوار اولیه، بیشتر معطوف به حفظ حیات طبیعی و انطباق با قواعد حاکم بر طبیعت بود، لذا سطح تخریب در حداقل ممکن قرار داشت. البته تحولات بعدی موسوم به صنعتی شدن، ایده تصرف در طبیعت را با هدف افزایش بهره‌وری، رواج داد تا آنجا که طبیعت در استخدام صنعت درآمد و در نتیجه به دنبال آن، آلودگی‌های صنعتی موضوعیت یافت و نگرش حکومت‌ها را به خود مشغول نمود (Gilpin, 2009: 71).

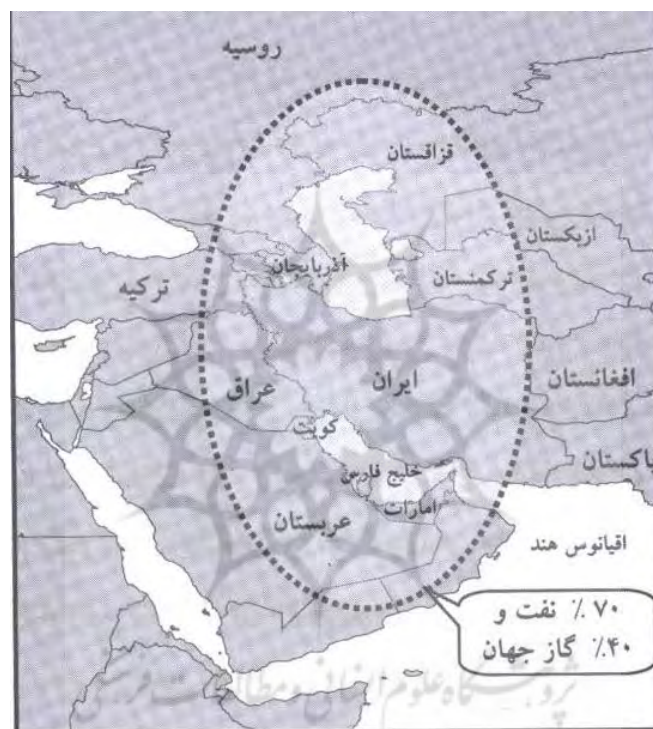
به طور کلی بی‌توجهی به بهداشت و مسائل اکولوژیکی موجب گشته، اثرات تخریبی بر این پهنه آبی وارد شود، و نگرانی‌هایی را در حوزه خزر به وجود آورد. سه رودخانه از شمال وارد دریای خزر می‌شود: ولگا، اترک، آرال. ۸۵٪ حجم آب‌های وارده را تشکیل می‌دهند، که درصد بالایی از آن متعلق به رود ولگا است، که بیشترین منبع آلودگی دریای خزر است (صفوی، ۱۳۷۹: ۴۹). عوامل مختلفی موجب گشته تا محیط زیست، دریای خزر با مشکلات عدیده‌ای مواجه شود، از جمله فاضلاب‌های شهری، آلودگی صنایع، تخریب سواحل، آلودگی با منشاء کشاورزی. همچنین طی ده سال گذشته حدود صد میلیون تن نفت از بستر دریای خزر استخراج شد که حدود یک میلیون تن از آن متأسفانه با آب دریا مخلوط گشته است. از سوی دیگر نقش ترکمنستان و ایران در ساختن هزار تن آلاینده‌های مختلف به دریای خزر که از هیدروکربورها و فلزات سنگین تشکیل یافته، نباید غافل شد، با توجه به اینکه سواحل جنوبی دریای خزر عمیق‌ترین بخش دریا می‌باشد و همچنین شیب دریا به طرف جنوب می‌باشد، آلودگی‌ها به طرف ایران هدایت شده و باعث افزایش خسارت برای ایران می‌شود. در بین کشورهای ساحلی دریای خزر، روسیه بزرگ‌ترین آلوده کننده محیط زیست دریای خزر (۸۰٪) پس از آن جمهوری آذربایجان (خلیج باکو) و سپس قزاقستان و ترکمنستان و ایران در ردیف‌های بعدی آلودگی دریای خزر قرار دارد.

تهدیدهای متعدد زیست محیطی و زیان‌های ناشی از آلودگی دریای خزر توجه دولت‌های ساحلی و همچنین جامعه بین‌المللی را برای چاره اندیشی و تداوم حفاظت و بهره‌برداری پایدار از دریا و منابع آن باعث شد پس از ۷ دور مذاکره در ۱۳ و ۱۲ آبان ۱۳۸۲، ۳، ۴ و ۲۰۰۴ در تهران ایجاد تشکیلاتی با عنوان برنامه محیط زیست دریای خزر برای طراحی و اجرای پروژه‌های منطقه‌ای مذاکره و تماس با دولت‌های ساحلی و امضای کنوانسیون حفاظت از محیط زیست دریای خزر برسد (امین منصور، ۱۳۸۴: ۱۴).

منابع و راه‌های انتقال انرژی حوزه ی ژئوپلیتیکی دریای خزر

انرژی بعنوان یک متغیر ژئوپلیتیک جایگاه ویژه ای را در بازی‌های قدرتی نظام جهانی باز کرده است و دسترسی به منابع انرژی برای تمامی سطوح سلسله مراتبی قدرت جهان، اهمیتی استراتژیک پیدا کرده است. از این روی هریک از بازیگران نظام جهانی به دنبال تعریفی قابل قبول از جایگاه امنیت انرژی خود می‌باشند (رحیم صفوی و مهدیان، ۱۳۸۹: ۳۱).

با توجه به تحولات صورت گرفته در رویکردهای ژئوپلیتیکی و اهمیت یافتن منابع نفت و گاز در معادلات جهانی، ایران در کانون منطقه‌ای قرار گرفته است که در تولید انتقال نفت و گاز جهان نقشی حیاتی ایفا می‌کند، به طوری که از نظر کارکردی بسان قلب جهان عمل می‌کند، از این رو ایران به جهت موقعیت ژئوپلیتیکی و قرار گرفتن در کانون بیضی انرژی جهانی و از لحاظ مسیرهای انتقال انرژی و نقش حیاتی آن در امنیت انرژی جهانی در کانون توجه و مرکز تعاملات بین‌المللی قرار گرفته است. احتمالاً این برای نخستین بار در تاریخ صنایع نفت و گاز جهان به وقوع می‌پیوندد که اهمیت خطوط لوله و نحوه انتقال نفت و گاز تولید شده از اهمیت خود منابع بیشتر شده است (داداندیش، ۱۳۸۶: ۱۷). بر همین مبنا جفری کمپ، متأثر از نظریه‌ی هارتلند مکیندر، از بیضی انرژی جهانی یا هارتلند ژئوپلیتیک یاد می‌کند (کمپ، ۱۳۸۳: ۱۳-۱۴).



نقشه شماره ۱: بیضی استراتژیک انرژی

منبع: کمپ و هارکاو، ۱۳۸۳: ۱۹۱



نقشه شماره ۲: بیضی استراتژیک گاز جهان

حوزه‌ی بزرگ ذخایر گازی جهانی یعنی خلیج فارس، سیبری غربی و آسیای مرکزی (ترکمنستان، قزاقستان و ازبکستان) و در یک محدوده بیضی شکل، ۷۰/۲ درصد گاز دنیا را در خود جای داده‌اند (BP.Statistical

Review of world Energy.2009)

ذخایر نفت خزر در حدود ۰.۴٪ ذخایر جهان و بیش از ذخایر کنونی ایالات متحده آمریکا (حدود ۲۹ میلیارد) دیشکه است.

(B.P.2006)

دریای خزر دارای ۱۶ تا ۳۲ میلیارد ذخیره نفتی ثابت شده است و ذخایر احتمالی نفت این حوزه به ۱۶۳ میلیارد بشکه دیگر برآورد می‌شود، که این مقدار از ذخایر نفتی ضریب یک چهارم مجموعه ذخایر اثبات شده در خاورمیانه است. ذخایر گازی احتمالی این منطقه در صورت اثبات به ۳۲۸۰ تریلیون متر مکعب دیگر خواهد رسید (صفوی، ۷۹: ۴۸).

عوامل مختلفی بر ژئوپلیتیک منطقه و نفت اثرگذار هستند که عبارتند از:

- رشد اقتصادی، یا رکود اقتصادی

- افزایش و یا کاهش سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای منطقه

- ثبات داخلی کشورها و یا بی‌ثباتی این کشورها

- هزینه‌های حمل نقل انتقال نفت و گاز از مسیرهای امن تا بازارهای مصرف

با توجه به اینکه انرژی یکی از مسائل راهبردی در دنیا می‌باشد و بیش از ۶۰٪ درصد انرژی مصرفی جهان را نفت و گاز طبیعی تشکیل می‌دهد. ایران در زمینه انتقال انرژی، در دو زمینه سوپ و خط لوله «کی. ت. آی» فعالیت می‌کند، اولین اقدام ایران در زمینه سوپ می‌باشد که در ۳ فاز طراحی شده تا بتواند نفت کشورهای هم‌جوار از طریق نفت‌کش به سواحل ایران در بندر تجهیز شده نکا منتقل کند؛ و از سوی دیگر در جنوب کشور معادل توافق شده نفت دریافتی در شمال را تحویل دهد. دومین اقدام ایران در زمینه انتقال نفت دریای خزر احداث خط لوله «کی. ت. آی» که مراحل مقدماتی را از طریق ایران به بازارهای جهانی منتقل کند. ایران با انعقاد قراردادهایی در زمینه گاز نیز با کشورهای منطقه از جمله آذربایجان و ارمنستان به نیازهای نخجوان و ارمنستان را به این انرژی تأمین خواهد کرد. همچنین طرح انتقال گاز به اروپا ارمنستان و گرجستان و اوکراین در دست مطالعه و پیگیری دارد. لازم به ذکر است با وجود تلاش آمریکا برای نادیده گرفتن این ویژگی و سیاسی کردن راه انتقال منابع انرژی (نفت و گاز)، هنوز هم ایران به عنوان امن ترین، اقتصادی ترین، و کوتاهترین مسیر برای انتقال منابع انرژی منطقه خزر به آب‌های آزاد مطرح است (مختاری هشی و نصرتی، ۱۳۸۹: ۱۱۵). برای درک اهمیت استراتژیک گاز ایران در سده بیست و یکم کافی است، نگاهی به آمار ارائه شده توسط سازمانهای بین المللی انرژی داشته باشیم. طبق آمار سال ۲۰۱۱ میلادی، ایران حدود ۳۳/۰۹۰ میلیارد متر مکعب (۱۵/۸٪) از ذخایر ۱۹۲/۵۴۹ میلیارد متر مکعب گاز جهان را در اختیار دارد. از این رو دومین دارنده ذخایر گازی جهان پس از روسیه (۴۶/۰۰۰ میلیارد متر مکعب) محسوب می‌شود. پس از این کشورها، قطر با داشتن ۲۵/۲۰۱ میلیارد متر مکعب در رتبه سوم قرار دارد (Opec Annual

Statistical Bulletin 2011)

مسئله نظامی شدن دریای خزر

در اغلب موارد هنگامی که از قدرت ملی سخن می‌گوییم، نیروی نظامی به ذهن متبادر می‌شود و در چارچوب قدرت نظامی باید سلاح و تجهیزات جنگی، کم و کیف افراد نظامی رهبری، بودجه نظامی، پایگاه‌های فنون نظامی، تحرک نیروها و امکانات تدارکاتی و لجستیکی مورد توجه قرار گیرند (قوام، ۱۳۸۱: ۹۲).

مناطق شمالی کشور از نظر نظامی نیز برای کشور ما حائز اهمیت می‌باشد. در این مناطق ما سابقه جنگ‌هایی را با امپراتوری عثمانی و همچنین نبردهای زیادی را با امپراتوری روسیه داریم. همچنین حمله خانمان‌سوز مغول نیز از شمال کشور صورت گرفته است.

این منطقه از بعد امنیتی برای ایران در دوره‌های مختلف تاریخی مهم و مورد توجه بوده است. این مسئله را بایستی مد نظر قرار دهیم که تحکیم بنیه اقتصادی و صنعتی یک کشور پشتوانه‌ای است برای قدرت نظامی آن کشور، تقویت قدرت نظامی بدون پشتوانه اقتصادی و صنعتی میسر نیست. تأثیر مثبت یا منفی دریای خزر بر اقتصاد کشور تأثیرات متفاوتی بر قدرت نظامی کشور ایران در نهایت بر امنیت ملی کشور دارد. اگر چه ایران غیرنظامی شدن دریای خزر را به مصلحت کلیه کشورهای ساحلی می‌داند، ولی عملاً تا زمانی که این امر محقق نشده است باید مکانیسمی یافت که بر اساس آن بر حجم نیروهای نظامی تجهیزات و تسلیحات کنترل و نظارت کند. مقابله با تهدیدهای مشترک نظیر تروریسم، مواد مخدر، جنایات سازمان یافته، انواع قاچاق سلاح و انسان و غیره نیز نیازمند تنظیم این توافقنامه است (نامی، ۱۳۸۹: ۱۰۱).

نهایتاً این که مسائل دریای خزر از نظر نظامی بر کشور ما تأثیر دارد و این که ایران بایستی همان سیاست دریای خزر صلح و دوستی را دنبال کند و تا آنجا که می‌تواند از نظامی شدن دریای خزر جلوگیری کند (دهقان، ۸۴: ۹۷).

چالش‌های فراروی ایران در حوزه‌ی خزر

تحولات اوایل دهه ۹۰ و به ویژه فروپاشی شوروی سابق اثرات ژرفی بر محیط منطقه‌ای و بین‌المللی نهاد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها پیدایش ۱۵ کشور جدید در عرصه بین‌المللی بود که هر یک با اهداف و آرمان‌ها و در عین حال چالش‌های خاص خود پا به عرصه بین‌المللی نهادند.

حوزه‌ی دریای خزر در کمتر از یک دهه به یکی از صحنه‌های مهم چالش و رقابت بین‌المللی تبدیل شده و به صورت یکی از مهم‌ترین مناطق استراتژیک جهان و کانون توجه کشورهای همسایه و قدرت‌های جهانی درآمده است. (میر طاهر - سپهریان، ۸۱: ۸).

حال به عواملی چند از جمله مهم‌ترین چالش‌های فراروی ایران در دریای خزر اشاره می‌کنیم:

- مشکلات مسئله نظامی شدن دریای خزر و نگرانی‌های امنیتی

خطری که پس از فروپاشی شوروی سابق و در غیاب یک نظام حقوقی مورد قبول همه دولت‌های ساحلی را تهدید می‌کند توسط یا تهدید توسط به اقدامات نظامی برای دستیابی به هدف‌های سیاسی است. سه کشور ساحلی، که در زمان انعقاد معاهدات ۱۹۴۰، ۱۹۲۱ وجود خارجی نداشتند و در نتیجه ناوگان مستقلی متعلق به آن‌ها در این دریا نبود، امروزه اقدام به ایجاد نیروی دریایی و تقویت آن کرده‌اند و به این ترتیب هزینه‌های نظامی آن‌ها به شدت

افزایش پیدا کرده است، این نکات نشان می‌دهد که مقابله با نظامی‌گری و روشن شدن وضع حقوقی، با توجه به نگرانی‌هایی که محیط زیست این منطقه را تهدید می‌کند از اهمیت زیادی برخوردار است. بنابراین دولت‌های ساحلی باید متوجه خطرهای احتمالی نظامی‌گری در منطقه باشند و تا حد امکان از حرکت بدین سمت خودداری کنند. در مورد نیاز به آمادگی نظامی جهت حفظ امنیت ملی نیز یک سلسله اقدام‌های هماهنگ صورت گیرد و تلاش شود همکاری در این زمینه میان دولت‌های ساحلی تقویت گردد و این همکاری به رغم وجود اختلاف در مورد نظام دریای خزر، عملی است. زیرا دولت‌های ساحلی، با وجود اختلاف مزبور در جهت روشن ساختن وضع حقوقی دریای خزر تلاش به عمل آورند (ملکی، ۱۳۸۱: ۴۱).

درگیر شدن کشورهای ساحلی دریای خزر در رقابت‌های نظامی و مسابقات تسلیحاتی به همراه مداخلات خارجی و حضور کشورهای ثالث، تنها و تنها، باعث افزایش پیچیدگی‌ها و بروز کنش و بحران خواهد شد.

- ابهام و عدم تعیین رژیم حقوقی مناسب در دریای خزر

تعیین رژیم حقوقی دریای خزر از آن نظر دارای اهمیت است که تعیین حقوق و تکالیف کشورها و امکان استفاده صحیح و مشروع از همه منافع این دریا را فراهم می‌سازد. بدیهی است که کشورهای ساحلی تا قبل از حصول به توافق جمعی در این خصوص از انجام هرگونه اقدامی که منجر به بروز تنش در منطقه و به خصوص کشورهای ساحلی شود، به صورت جدی خودداری کنند. موضوع رژیم حقوقی دریای خزر بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در دستور کار کشورهای ساحلی قرار گرفته و راه‌حل‌ها و شیوه‌های مختلفی برای حل و فصل رژیم حقوقی این دریا ارائه شده است که در حال حاضر درباره گزینه تقسیم، اکثر کشورهای ساحلی با یکدیگر توافق دارند ولی در خصوص چگونگی شیوه تقسیم اتفاق نظری میان کشورها وجود نداشته و همین امر باعث طولانی شدن روند حل و فصل مسائل حقوقی شده است. اقدامات یک جانبه در خصوص رژیم حقوقی مبنای حقوقی ندارد لذا نمی‌توان انتظار داشت. کشورها در این مورد خاص شتابناک تصمیم‌گیری کنند. در روابط بین‌المللی این گونه مسائل زمان بر است و چیزی که مهم است تأمین منافع کشورها است. حل و فصل نهایی جایگاه حقوقی دریای خزر وزیربناهای انرژی منطقه ای سهم اساسی در استحکام بخشیدن به این نقش دارد (Doug, 2008: 7). بدیهی است تا زمانی که رژیم حقوقی خزر تکمیل نشده است، باید رژیم حقوقی موجود ناظر بر فعالیت کشورها در این دریا باشد و کشورهای ساحلی از اقدامات یک جانبه، تحریک‌آمیز و آسیب‌رسان به منافع دیگر کشورهای ساحلی خزر پرهیز کنند.

- نگرانی‌های ناشی از نفوذ روسیه و غرب در منطقه

از فرصت‌های ژئوپلیتیکی روسیه در قرن بیست و یکم، در اختیار داشتن ذخایر عظیم انرژی است، به طوری که روسیه به واسطه آن می‌تواند همواره جمهوری‌های تازه استقلال‌یافته و اروپا را تحت‌تأثیر قرار دهد (زین‌العابدین، ۱۳۸۹: ۹۷).

روسیه همچنان یکی از قدرت‌های جهانی است و به فناوری پیشرفته، به ویژه در بعد فضایی و اتمی و تسلیحات نظامی دسترسی دارد و یکی از اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد است. این قابلیت‌ها و توانایی روسیه را

در زمینه‌ی حضور قدرتمندانه در امور خزر دو چندان کرده است (حافظ‌نیا، ۱۳۷۸: ۴۴). همچنین این کشور با اتخاذ سیاست‌های حساب شده در مورد رژیم حقوقی و خط انتقال انرژی سعی در تأثیرگذاری بیشتری بر امور منطقه را دارد و اعلام نموده که اجازه دخالت دولت‌های فرامنطقه‌ای را در این منطقه را نخواهد داد. نشانه‌های رفتاری روسیه حاکی از مخالفت با حضور نظامی و شبه‌نظامی قدرت‌های دیگر در این ناحیه است. با نگاهی به ویژگی‌های جمهوری‌های تازه استقلال‌یافته و خصوصیت منطقه بدیهی است گسترش و نفوذ سیاسی و فرهنگی و... کشورهای دیگر در این منطقه با منافع کشور روسیه سازگار نیست و در حکم یک بازی با حاصل جمع منفی خواهد بود که ناامنی را در این منطقه به دنبال دارد (احمدی لفورکی، ۱۳۸۴: ۸۹).

از آنجایی که روسیه بیش از هر کشور جدید دیگری خاک ایران را تصرف کرده است، سرزمین پهناور روسیه برای ایران یک واقعیت ژئوپلیتیک دائمی و آشکار است. در واقع چنین به نظر می‌رسد که هژمونی روسیه در سمت جنوب این کشور حد و مرزی نمی‌شناسد (فولر، ۱۳۸۹: ۱۵۸).

واقعیت این است که سه کشور قزاقستان، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان به غیر از مشکلات رژیم حقوقی دارای زیرساخت‌های لازم، برای صادرات کالاها و منابع انرژی (از جمله استخراج و راه‌های انتقال آن) و محصور بودن در خشکی دارای تنگناهای جغرافیایی هستند و بدون همکاری با حوزه‌های خود نمی‌توانند به توسعه پایدار دست یابند و برای رهایی از این تنگنا، وابستگی زیادی به شبکه حمل و نقل ایران و روسیه دارند و این یکی از عوامل وابستگی ژئوپلیتیکی آن‌ها به ایران و روسیه می‌گردد؛ و این نگرانی بیشتر وجود داشته و دارد که کشورهای حوزه ی خزر در بیشتر برنامه‌های خود به قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای روی آورند و باعث بحران در این منطقه شوند. پس از جنگ سرد، کشورهای غربی و در رأس آن‌ها ایالات متحده آمریکا به منظور کنترل بر انرژی منطقه‌ی خزر و جایگزینی این منطقه در صورت بحران انرژی در خلیج فارس به دنبال جای پای در این منطقه بودند که طی آن از فروپاشی شوروی الی پس از وقایع ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ ادامه می‌یابد و مهم‌ترین اهداف آمریکا عبارت بود از مقابله با رشد اسلام‌گرایی یا ترویج مدل ترکیه، مهار ایران و روسیه، کمک‌های مالی و انسان‌دوستانه با اهداف سیاسی خاص، کنترل سلاح‌های هسته‌ای، حضور شرکت‌های غول‌پیکر نفتی برای اکتشاف، استخراج انتقال مواد هیدروکربنی و نیز حضور فعال اقتصادی در این منطقه بود و نیز در سال‌های اخیر مسأله مبارزه با تروریسم را پیش کشیده است. واقعیت این است که یکی از اهداف راهبردی آمریکا بعد از ۱۱ سپتامبر، تسلط بر مناطق استراتژیک و ژئوپلیتیک جهان به خصوص حوزه ی دریای خزر است (وحیدی، ۱۳۸۱: ۹۹).

بنابراین باید گفت که واشینگتن در منطقه‌ی خزر بیشتر به دنبال اهداف استراتژیک و ژئوپلیتیک است تا مسائل اقتصادی. بعلاوه وجود مسائل و مشکلات مربوط به نفت و گاز حوزه ی خزر نیز خود نشانگر این است که مزیت‌های اقتصادی نمی‌تواند به اندازه مؤلفه‌های ژئوپلیتیک برای آمریکا جذابیت داشته باشد (هرسنی و ساوی، ۱۳۹۱: ۷۱۱).

- نگرانی‌های ناشی از افزایش آلودگی‌های زیست محیطی خزر

برخی از مسائل مهم زیست محیطی ممکن است در ابتدا نتوانند توجه مردم را به اهمیت خود جلب کنند زیرا غیرقابل رؤیت و نامحسوس بوده و درک آن‌ها مستلزم استدلالاتی انتزاعی است (پرینس، ۱۹۹۰: ۷۲۹).

طرفداری از محیط زیست نیز همانند هر جنبش سیاسی واجتماعی طیف وسیعی از روشها و رویکردها را در برمی‌گیرد که در این میان صدا و سیما می‌تواند نقش راهنمایی و تهییج عمومی را برعهده گیرد (www.environment.htm). رسانه‌ها در راستای نظارت و هدایت صحیح مردم می‌توانند در زمینه‌ی حفظ و احیای محیط زیست مردم رابه مشارکت و دولت‌ها رابه سرمایه‌گذاری فراخوانند.

موضوع بسیار حائز اهمیت، مسأله اکولوژیک و به اصطلاح آلودگی آب دریای خزر است در سال‌های اخیر میزان آلودگی و افزایش سطح آب تا حد خطرناکی با هم منطبق شده‌اند به طوری که فقط طی ده سال گذشته حدود ۱۰۰ میلیون تن نفت از بستر دریای خزر استخراج شد که از آن حدود یک میلیون تن با آب دریا مخلوط شده است (روشندل، ۱۳۷۷: ۱۶).

باید به این نکته توجه داشت که تهدیدات زیست محیطی، مرز سیاسی نمی‌شناسد در بسیاری موارد، نیازمند راه-حل‌های فرامرزی و در مواردی دیگر گه ریشه‌های بومی و منطقه‌ای دارد نیازمند ابداع‌ها و ابتکارات محلی (منطقه‌ای) است (سیم‌پر، ۱۳۸۱: ۱۳۲). از این رو، دولت‌های حاشیه خزر باید به این نتیجه برسند که برای بدست آوردن صلح و آرامش و از بین بردن منازعات میان خود مناسب‌ترین راه رعایت مسائل زیست محیطی که یک روند غیرسیاسی است، می‌باشد.

سایر چالش‌های موجود در این حوزه :

- سردی روابط با برخی کشورهای منطقه‌ی خزر به بهانه پرونده هسته‌ای ایران
- عدم درک واقع‌بینانه از پیشینه تاریخی دریای خزر از سوی کشورهای حاشیه خزر
- عدم وجود شبکه‌های ارتباطی مناسب در حوزه‌ی خزر
- تنگناهای اداری، مالی، و گمرکی در سواحل خزر
- نحوه استخراج و بهره‌برداری دیگر کشورهای حوزه‌ی خزر از منابع بستر و زیر بستر دریا
- حضور امریکا در حوزه‌ی خزر با هدف تنوع بخشیدن به منابع نفتی وارداتی در صورت بروز بحران در خلیج فارس

- فقدان استراتژی واحد و منسجم در حوزه‌ی انرژی خزر از طریق کشورهای حاشیه خزر

- نگرانی روسیه از تبدیل شدن ایران به عنوان منبع تأمین گاز اروپا و امریکا

فرصت‌های فراوی ایران در حوزه‌ی خزر

منظور از فرصت پیشامدی اتفاقی است که در صورت وقوع دارای تأثیرات مثبت و نقش سازنده‌ای بر اهداف یک سازمان خواهد داشت. دریای خزر فرصت‌ها و موقعیت‌های استراتژیک متعددی را برای ۲۴۵ میلیون نفر از جمعیت پنج کشور کرانه آن فراهم ساخته است. فرصت‌هایی که فقط همگرایی ساحل‌نشینان، بستر تبدیل آن‌ها را به شاخص‌هایی برای رشد و توسعه منطقه فراهم خواهد ساخت (روزنامه اطلاعات ۱۰/ ۸۹/۹: ۱۷).

در واقع تحولات چشمگیر دهه ۹۰ در عرصه جهانی شرایط مساعد و بی سابقه ژئواکونومیک برای کشورهای تازه استقلال یافته حاشیه‌ی خزر را به ارمغان آورده و فرصت‌های عظیمی را به جهت توسعه در اختیار آن‌ها قرار داده است (زارعی، ۱۳۸۵: ۱۵).

اهم فرصت‌های فرا روی ایران در حوزه ی خزر به قرار زیرند:

- فرصت‌های اقتصادی ایران در حوزه ی خزر

یکی از عواملی که برای سنجش وضعیت اقتصادی یک کشور به کار برده می‌شود رشد اقتصادی است. در دوران جنگ سرد هم نقاط و همه مناطق با معیارهای نظامی سنجیده می‌شدند، ولی امروزه تمام نقاط و مناطق استراتژیک با مناطق اقتصادی سنجیده می‌شوند و نفت و گاز در میان این منابع از ارزش و اهمیت بسزایی برخوردار است و کشورهای با رشد اقتصادی بالا را در اصطلاح ژئوپلیتیک غرب می‌گویند و تا چند سال دیگر کشور چین را هم غرب می‌گویند (عزتی، ۱۳۸۹: ۱۲). انرژی (به طور مشخص نفت و گاز) یکی از مؤلفه‌های تاثیرگذار در تولید ثروت و قدرت در جهان کنونی محسوب می‌شود. اقتصاد جهانی با تمامی پیچیدگی‌های خود اعم از جهانی شدن، وابستگی متقابل، تاکید بر رقابت بی‌وفقه، استفاده از مزیت‌های نسبی و غیره، همچنان به انرژی نفت و گاز و تامین امنیت آن وابسته است؛ زیرا انرژی نقطه حرکت و سنگ بنای توسعه اقتصاد جهانی می‌باشند. از سوی دیگر، انرژی خود یکی از ارکان قدرت محسوب می‌شود، چون در جهان امروز، توسعه (که خود وابسته به انرژی است) می‌تواند تولید قدرت کند (Global petroleum Market Outlook section III).

مهم‌ترین مزیت اقتصادی ایران نسبت به تمامی رقبای اقتصادی در این منطقه، برخورداری از کوتاه‌ترین، امن‌ترین و باصرفه‌ترین کانال ارتباطی با آب‌های آزاد و نیز کشورهای خاورمیانه و اروپایی است. گسترش رایزنی‌ها و برگزاری سمینارها و جلسات دو جانبه و منطقه‌ای برای معرفی هر چه بیشتر این مزیت، رفع برخی سوء تفاهات و تبلیغ‌های ضدایرانی، به ویژه در رابطه با ناامن بودن راه‌های ایران و از همه مهم‌تر، سرمایه‌گذاری بیشتر در زمینه زیرساخت‌های ارتباطی، به ویژه در دو حوزه ریلی و جاده‌ای از اولویت‌های ایران در حوزه ی اقتصادی به شمار می‌رود. ایران به دلیل داشتن منابع نفتی و موقعیتش نسبت به جمهوری‌های سرشار از انرژی آسیای مرکزی و قفقاز، استعداد تبدیل شدن به دروازه انتقال دهنده نفت خام این منطقه را دارا می‌باشد (Ehteshami and Molavi, 2008). نکته مهم دیگر، تمرکز ایران بر حوزه‌هایی است با حجم سرمایه‌گذاری و سطح تکنولوژی و فن‌آوری شرکت‌های ایرانی، هم‌خوانی داشته باشد. از این رو، تمرکز بر حوزه‌هایی مانند سدسازی، ساخت نیروگاه‌ها و جاده‌سازی (با توجه به تجربیات ارزشمند سال‌های اخیر در ایران) می‌تواند از اولویت برخوردار باشد. جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در صورت بسترسازی مناسب و استفاده صحیح از پتانسیل‌های همکاری منطقه‌ای در میان اعضای آن، چالش‌های موجود در منطقه را تبدیل به فرصتی جهت رسیدن به اهداف ملی و منافع ملی نماید.

- فرصت‌های تاریخی و فرهنگی ایران در حوزه ی خزر

استمرار و تداوم تاریخی در یک فضای جغرافیایی، دلیل محکمی بر وجود و بقای آن است. فرهنگ پدیده‌ای فطری نبوده و همراه با رشد فرد در درون یک جامعه فرهنگی، رشد می‌یابد. بنابراین فرهنگ نمایانگر تأثیر تربیت بر طبیعت و فطرت انسانی است (مویر، ۱۳۷۹: ۳۲).

در ساختار فرهنگی ملت ایران عناصر متعددی تأثیرگذارند که عبارتند از؛ آثار ادبی ایران که عمدتاً به زبان فارسی نگاشته شده‌اند، هنر ایرانی معماری ایرانی، آثار باستانی، مفاخر ملی، آداب و رسوم، اعیاد خاص، قهرمانان افسانه‌ای، اسطوره‌ها و سنت‌ها خاص که موجب همبستگی و همدلی در کشور شده و وحدت ملی را تضمین می‌کند. ایران از

جمله‌های است که سازماندهی سیاسی فضا در آن ریشه تاریخی دیرینه دارد. اما نکته مهم این‌که دست‌گاه دیپلماسی کشور با شناسایی این فرصت‌ها اعم از تاریخی و فرهنگی می‌تواند در صورت بسترسازی مناسب به اهداف ملی خود رسیده و به منافع ملی ایران را در این منطقه بیافزاید.

فرصت‌های سیاسی امنیتی ایران در حوزه‌ی خزر

در دوران اتحاد جماهیر شوروی، جمهوری‌های آسیای مرکزی به عنوان بخشی از اتحاد شوروی، فاقد ارتباط مستقیم با نظام بین‌المللی بودند. در طی ۱۶ سال گذشته، روند مناسبات کشورهای آسیای مرکزی با کشورهای خارجی، حاکی از آن است که این کشورها با گذشت زمان و درک واقعیت‌های روابط بین‌الملل به همکاری‌های منطقه‌ای برای تعامل بیشتر با نظام بین‌الملل، توجهی ویژه مبذول داشتند. بر این اساس مهم‌ترین نقطه همگرایی را باید تلاش کشورهای آسیای مرکزی برای رهایی از سلطه سیاسی روسیه (به عنوان میراث دار امپراتوری شوروی) و استقلال عمل در چهارچوب همکاری‌های منطقه‌ای با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دانست. از این رو دولت‌های منطقه آسیای مرکزی، کشورهایی چون ایران پاکستان و هند... را در چهارچوب سازمان‌های منطقه‌ای مانند ا.کو. برای تعادل بخشی به روند سیاسی موجود و ساختار سلسله مراتبی در منطقه و کاستن از نقش بالا به پایین مسکو می‌نگرند. این امر، فرصتی که دست‌گاه دیپلماسی ایران می‌تواند برای افزایش ضریب نفوذ سیاسی خود از آن بهره گیرد. بنابراین، سازمان همکاری شانگهای می‌تواند حلقه دیگر اتصال ایران با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز و حوزه‌ی خزر که بستر ساز توسعه همکاری‌های امنیتی باشد و زمینه مناسبی را برای تحقق اهداف سیاست خارجی ایران در حوزه‌ی امنیتی فراهم نماید.

سایر فرصت‌های ایران در این حوزه عبارتند از:

- تلاش در جهت اپک گازی با حضور کشورهای حوزه‌ی خزر
- همگرایی و همکاری‌های منطقه‌ای در حوزه‌ی دریای خزر
- فرصت‌های پدید آورنده برای جذب هر چه بیشتر توریسم
- ایجاد شرکت‌های مشترک‌المنافع با هدف تأمین منافع ملی کشورهای حوزه‌ی خزر
- تأمین امنیت کشتیرانی به منظور مبادله تجارت کالا در حوزه‌ی خزر و خارج از آن
- فرصت‌های هر چه بیشتر صادرات خاویار و ارزآوری حاصل از آن
- تسهیل قوانین گمرکی و حذف موانع موجود
- ایجاد امنیت اقتصادی و سیاسی جهت سرمایه‌گذاران خارجی علاقه‌مند به سرمایه‌گذاری در این عرصه
- پرهیز و اجتناب از اتخاذ استراتژی‌های انزوگرایی و غیرمعتولانه در رابطه با منطقه

نتیجه‌گیری

دریای خزر بزرگ‌ترین دریاچه درون خشکی در کره زمین، در مرز قاره آسیا-اروپا واقع شده، که منشاء مناقشات میان کشورهای پنج‌گانه حوزه‌ی این دریا و مداخلات کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. جمهوری اسلامی ایران از مهمترین بازیگران منطقه است. اگرچه بیشتر منابع نفت و گاز در خلیج فارس متمرکز است اما منطقه‌ی

خزر برای کشور ما، از اهمیتی استراتژیک برخوردار بوده و اساساً این منطقه عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران را تشکیل می‌دهد. آنچه این واحد جغرافیایی را به عرصه منازعات و کشمکش کشانده است منافع ژئواکونومیک کشورهای ساحلی آن است، با وجود چندین روش پیشنهادی، هنوز در مورد بهره‌برداری صحیح از منابع بستر و زیر بستر توافقی به دست نیامده است و به جای رژیم حقوقی، رژیم امنیتی و نظامی بر آن سایه افکنده است.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دریای خزر و حوزه‌های آن بر همکاری‌های همه جانبه، اعتمادسازی، صلح پایدار، بهره‌برداری عادلانه از منابع طبیعی با اقتصاد شکوفا و رشد و توسعه پایدار می‌باشد. بدون شک پی‌ریزی بسترهای حقوقی و تدوین یک رژیم حقوقی مناسب و مبتنی بر اتفاق آرا و اجتناب از یک‌جانبه‌گرایی، بدون دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای در راه رسیدن به اهداف کمک می‌کند. با توجه به این‌که جایگاه هر کشوری را در روابط بین‌الملل قدرت آن کشور تعیین می‌کند و اگر قدرت هر کشوری تحلیل رفت در سه سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی با مشکل مواجه می‌شود. در نهایت این که اگر ما با دقت بیشتر و کار کارشناسی و استفاده از توان ملی علی‌الخصوص در زمینه منابع انرژی و راه‌های انتقال آن از طریق ایران به اروپا و آسیا شرایطی فراهم کنیم، می‌تواند به عنوان فرصتی برای کشور ایران باشد، ولی اگر نتوانیم از فرصت‌ها استفاده کنیم، تبدیل به چالشی می‌شود که تأثیرات منفی بر منافع ملی و امنیت ملی ما می‌گذارد.

امید است دست‌اندرکاران تدوین استراتژی ملی و اطاق‌های فکر کشور، به این مسأله واقف باشند که با تدوین برنامه‌های منظم و منسجم از تمامی پدیده‌های چالش‌برانگیز دوری جسته و آن را تبدیل به فرصتی جهت نیل به اهداف ملی به کار برند.

منابع

احمدی پور، زهرا و همکاران (۱۳۸۴). پهنه آبی شمال ایران خزر یا کاسپین، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال اول، شماره اول.
احمدی لفورکی، بهزاد و میر رضوی، فیروزه (۱۳۸۴). راهنمای منطقه‌ی خزر و کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی، تهران مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
امیراحمدیان، بهرام (۱۳۸۱). جغرافیای کامل قفقاز، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
امیر احمدیان، بهرام و گودرزی، مهناز (۱۳۸۹). دریای خزر منافع روسیه و امنیت ایران، نشر قومس.
امین منصور، جواد (۱۳۸۴). کنوانسیون حفاظت از محیط زیست دریای خزر. بولتن برنامه اوراسیای مرکزی، سال اول، شماره دوم.

جاسبی، عبا... (۱۳۸۱). مجموعه مطالعات سیاسی ۲. نگاه تحلیلی بر موانع کشورهای ساحلی درباره ترسیم رژیم حقوقی دریای خزر نشر دفتر مقاومت.

حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۷۸). تفاوت‌ها و تعارض‌ها در حوزه ژئوپلیتیک خزر، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۷ سال هشتم.

دهقان، فتح ا... (۱۳۸۴). دریای خزر و امنیت ملی، انتشارات مؤسسه فرهنگی و هنری بشیر علم و ادب.
داداندیش، پروین؛ (۱۳۸۶) رقابت بازیگران بین‌المللی در مورد انرژی دریای خزر تهران، ماهنامه همشهری دیپلماتیک، سال دوم، شماره بیست و دوم.

- دیلمی معزی، امین (۱۳۸۷). آسیای مرکزی و قفقاز در سیاست جهانی: تعامل ژئواکونومی و ژئوپلیتیک تهران، **اطلاعات سیاسی اقتصادی**، سال بیست و سوم، شماره پنجم و ششم.
- رحیم صفوی، سیدیحیی (۱۳۸۹). ژئوپلیتیک انرژی ایران و امنیت انرژی شرق (چین و هند): **فصلنامه جغرافیای انسانی**، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، سال دوم، شماره دوم.
- رحیم صفوی، یحیی (۱۳۷۹). **مقدمه‌ای بر جغرافیای نظامی ایران** جلد دوم، تهران دانشگاه امام حسین (ع).
روزنامه اطلاعات، (۱۳۸۹/۹/۱۰). خزر، فرصت‌ها و چالش‌ها.
روشندل، جلیل (۱۳۷۷). **نظامی‌گری در دریای خزر**، گرایش برخاسته از فقدان رژیم حقوقی، **فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، دوره سوم شماره ۲۲.
- زارعی، بهار در (۱۳۸۵). **نگرشی بر سیاست خارجی ایران در مناطق ژئوپلیتیکی آسیای مرکزی**، انتشارات بهمن برنا.
زین‌العابدین، یوسف (۱۳۸۶). **درآمدی بر جغرافیای سیاسی پیشرفته**، رشت: انتشارات کتیبه گیل.
_____ (۱۳۸۹). **ژئوپلیتیک**، جلد اول، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت.
- ساکس، جفری. دی (۱۳۸۴). **سرمایه‌گذاری در توسعه: برنامه‌ای علمی برای دست‌یابی به اهداف توسعه هزاره**. ترجمه گروه مترجمین، انتشارات برگ زیتون.
- سیم‌بر، رضا، (۱۳۸۱). **بحران زیست محیطی و امنیت دریای خزر**، **فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، شماره ۴۰.
طاهری موسوی، معصومه (۱۳۸۷). **جغرافیا و استراتژی ملی ایران با تأکید بر استراتژی سیاسی**، تهران انتشارات سازمان جغرافیایی.
- عزتی، عزت‌ا... (۱۳۸۹). **جغرافیا و راهبرد ملی**، جزوه دوره کارشناسی ارشد، واحد علوم و تحقیقات تهران.
_____ (۱۳۸۹). **نظام‌های ژئوپلیتیک (منطقه‌ای و جهانی)**، جزوه درسی دوره کارشناسی ارشد، واحد علوم و تحقیقات تهران.
- _____ (۱۳۸۹). **جغرافیای استراتژیک ایران**، جلد دوم، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی.
- علی پرست، معظم (۱۳۸۶). **نقش ژئوپلیتیک زیست محیطی در ایجاد همگرایی و واگرایی کشورهای حوزه خزر**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت.
- فولر، گراهام (۱۳۸۹). **قبله عالم**، ژئوپلیتیک، ترجمه عباس مخبر، چاپ چهارم، انتشارات نشر مرکز.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۱). **اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل**، تهران، انتشارات سمت.
- قاسمی، اسماعیل و کارگروه صادرات غیرنفتی استان گیلان (۱۳۸۳). **چشم‌انداز توسعه و تجارت در دریای خزر**، انتشارات توکل.
- کعب، جفری و هارکاو، رابرت (۱۳۸۳). **جغرافیای استراتژیک خاورمیانه**، ترجمه سید مهدی حسینی متین، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مختاری هشی، حسین و نصرتی، حمیدرضا؛ (۱۳۸۹). **امنیت انرژی و موقعیت ژئو انرژی ایران**، فصلنامه ژئوپلیتیک تهران، **انجمن ژئوپلیتیک ایران**، سال ششم، شماره دوم.
- مجته‌زاده، پیروز (۱۳۸۱). **جغرافیا سیاسی و سیاست‌های جغرافیایی**، انتشارات سمت.
- مولایی، یوسف [... و دیگران] (۱۳۸۳). **دریای خزر، رژیم حقوقی و مواضع کشورهای ساحلی و حضور امریکا**.

ملکی، عباس (۱۳۸۱). دریای خزر و ضرورت‌های زیست محیطی، هماهنگی برای مقابله با مشکلات، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال دهم، شماره ۳۷.

مویر، ریچارد (۱۳۷۹). درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، ترجمه دره میر حیدر انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح. میر طاهر، سید رضا و سپهریان، سهراب (۱۳۸۱). ویژگی‌های دریای خزر و نظام منطقه‌ای آن، تهران، انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی.

نامی، محمد حسن و محمدپور، علی (۱۳۸۹). جغرافیای سیاسی و حقوقی آب‌های ایران خلیج فارس، دریای عمان و دریای خزر، تهران نشر زیتون سبز.

وحیدی، موسی‌الرضا (۱۳۸۱). حضور نظامی امریکا در آسیای مرکزی و قفقاز، واکنش روسیه، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳۷.

هرسنی، صلاح الدین و توپانم ساوی، مالبنین (۱۳۹۱) جایگاه خاورمیانه در سیاست‌های انرژی ایالات متحده آمریکا؛ مجموعه مقالات پنجمین گنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران: قابلیت‌ها و ظرفیت‌های کاربردی جغرافیای سیاسی ۳-۴ خرداد ۱۳۹۱، ص ۷۱۱.

The Globalization of world politics, Oxford university press. 38-Barton, J. and s. smash (eds), (1997).

B. Haas, Ernst, (1958), B, "The uniting of Europe", Stanford: Stanford university press.

BP. statistica Review of word Energy, (2009

Doug. Norlen. (2008) The Great Ecological Game Will caspian sea oil Lead to Environmental Disaster? (Cjanuary) p. 6. a. special Report Published by the pacific Environment and Resources center l, available online at.

Environmental security of Russia (1996) Issue 2, The security council of the Russian federation, Moscow.

Gilpin, I. (2009) The political Economy of international Relations, Princeton NJ: Princeton university press.

Mac Donald, Gordon J., (1995), Environmental security, policy, university of califo rni.

Morgen thau, Hans J. politics Among Nation: The struggle for and peace newyork: Alfred A (1973).

Opec Annual statistial Bulletin (2011).

Prentice, R.. (1990) The Manxness of Man: Renewed Immigration to the Isle of Man and purvin & Gertz Global petroleum Market outlook section lll word Economic and Energy outlook.

the nationalist Response, Scottish Geographical Magazine (106) 75-8

The BP statistical Review of world Energy, 2009 at: <http://www.bp.com>

www.environment.htm.



پښتو ښکلا څانګه علوم انساني او مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انساني